

علل مخالفت جوانان با اولیاء و مربیان خویش



عنوان این گفتار تا حدی بیان کننده احساس پدران و مادران و مربیان نسبت برفتار جوانان است اگر پدران و مادران از فرزندان خود رضایت کامل داشتند و سهم خود و جوانان را در اختلاف فیما بین یکسان می‌شمردند عنوان بیطرفانه تری برای موضوع بحث برمی‌گزیدند . مسلماً اگر انتخاب عنوان برای بحث در این باره به جوانان واگذار میشد با احتمال قوی آنها نیز الفاظ بیشتری بخرج نمیدادند و موضوع انتخابی آنها عبارت میشد از :

مخالفت پدران و مادران و مربیان با جوانان باری جوانان از پدران و مادران و مربیان شکوه دارند و پدران و مادران و مربیان از جوانان . هریک از این دو گروه که نماینده دونسل هستند گروه دیگر را مسئول اختلافات میدانند .

لا بد شما پدران و مادران و مربیان می‌خواهید بدانید کدام گروه برحق است این جوانانند که قدر و بهای اولیاء را نمی‌شناسند و با آنها به عناد برمی‌خیزند

یا اینکه این پدران و مادران و مربیانند که شهد زندگی را بکام جوانان شرنگ میگردانند .

در این گفتار کوشش خواهد شد که به زمینه‌های اختلاف نظر و کشمکش‌های بین جوانان و اولیاء اشاره شود و دلائل عمده اختلاف نظر در هریک از زمینه‌ها ارائه گردد .

قبل از آنکه اشاره‌ای به زمینه‌های اختلاف شود بجاست معین گردد که منظور

اختلافات ، فرض کلی این است که تفاوت محیط پرورش ، مرحله زندگی وموقعیت اجتماعی این دونسل موجب بروز اختلافات بین آنها میگردد . اینک بعضی از این تفاوت ها اشاره میکنیم :

الف - تفاوت محیط پرورشی : در عصر ما بعلت سرعت تحولات اجتماعی فاصله بین نسل ها کم شده است بطوریکه گاه از زمان تولد کودک تا زمانیکه کودک مدرسه رفتن را آغاز میکند در سلیقه ذوق وارزشهای اجتماعی تغییراتی حاصل میشود بنظر فرزندان که در محیطی متفاوت از محیط پدر ومادر پرورش یافتهاند ، پدر ومادر قدیمی فکر میکنند . از سوی دیگر پدران ومادران سعی میکنند که محتوای فرهنگی زمان تشکل شخصیت خودشان را به فرزندانشان تحمیل کنند وباین وسیله آنها را به فضائل وسجایای پسندیده متخلق سازند دراین حال است که با مقاومت جوانان روبرو میشوند وگشمکش آغاز میگردد .

ب - تفاوت فیزیولوژیک دونسل : وقتی میگوئیم جوانان یعنی کسانیکه در بهار عمرند . پدران ومادران در مرحله دیگری از زندگی قرارگرفتهاند . بعضی از تمایلات وحالات روحی این دوگروه را تا حدود زیادی عوامل فیزیولوژیک مربوط به بدن ←



ما از جوانان چیست دراین جا منظور ما از جوانان عبارت از فرزندان است که از مرحله بلوغ جنسی گذشتهاند لیکن هنوز یا از لحاظ حقوقی تحت قیمومیت پدر ومادر هستند یعنی ۱۸ سال کمتر دارند و یا اینکه اگر یکی دوسال بیشتر حتی سه تا چهار سال از مرز ۱۸ سالگی گذشته اند ، از لحاظ اقتصادی ویا اجتماعی بخانواده وابسته هستند .

دراین کوشش برای روشن کردن علل

یک نسل از لحاظ قدرت و فعالیتهای بدنی در حال رسیدن باوج است و یک نسل در حال از دست دادن تدریجی قوای جسمی است . مسلما علاقه نسل پدران و مادران به امنیت خاطر و محافظه کاری است تا آنچه باقی مانده است نگهدارند .

ج- تفاوت از لحاظ آرمان پرستی و واقع-گرائی : جوانان پر شورند و میخواهند تضادهائی که می بینند از میان بردارند و دنیائی بسازند منطبق با رویائی که از جامعه سعادت مند در سر دارند . لیکن میانسالان و کهن سالان محافظه کارانه " واقعیت گرا " هستند و در جهت قبول دنیا آنطور که هست گرایش مییابند . جوانان از مشاهده عکس العمل پدران و مادران برآشفته میشوند و آنها را به جبن و وتزویر متهم میکنند . البته پدران و مادران هم آرمان هائی دارند لیکن آرمان های آنها مشخص تر و قابل دسترس ترست برای پدران و مادران مهم نیست که آرمانهای انتخابی آنها درست است یا نه . همین که امکان دسترسی بآنها وجود دارد و از قبول عام نیز برخوردار است برای آنها کافی است . اگر جوانان باین نتیجه برسند که تحقق آرمانهای آنها و ایجاد تغییرات مطلوب در جامعه و رفتار افراد امکان

پذیرنیست به بی قیدی و عدم رعایت اخلاق و عرف گرایش پیدا میکنند که خود موجب کشمکش و اختلاف بیشتر با پدران و مادران میگردد .

د - تفاوت از لحاظ موقعیت اجتماعی : هر چند که جوانان از لحاظ اقتصادی در موقعیت وابسته به پدر و مادر قرار دارند لیکن از لحاظ اینکه مسئولیت شخصی در خانواده ندارند و ترسی از اینکه موقعیت آنها بخاطر بیفتد ندارند در موقعیت ممتازی قرار دارند . لیکن پدر و مادر که بخیال خودشان نزد در و همسایه آبرو دارند خود را در موقعیت صدمه پذیری احساس میکنند . بعضی از جوانان حداکثر استفاده را از این تمایل پدر و مادر به حفظ " آبرو " میکنند و پدر و مادر گاه تا سرحد زیان خود و فرزندانشان خود به نگهداری " تصویر " یک خانواده خوب می چسبند .

اینک که به تفاوت های دونسل اشاره کردیم بجاست به دو مورد شخصی اختلافات جوانان با پدران و مادران و مربیان نیز اشاره کنم .

۱- عکس العمل جوانان درباره تمایلات جنسی : در کشور ما حتی در پنجاه سال پیش عکس العمل جوانان درباره ابراز تمایل نسبت بجنس مخالف بصورت مسئله در نیامده بود . اکثر جوانان پس از

رسیدن بسن بلوغ ازدواج میکردند . نظام شغلی و نظام آموزشی مانع و رایج این رسم نبود .

اینک از یکطرف نظام آموزشی از طرف دیگر نظام شغلی ایجاب میکند که جوان ازدواج را به سالها پس از رسیدن بسن بلوغ به تعویق بیندازد . تربیت قبلی پدر و مادر موجب میشود که بجوانان کف نفس و تعلیم را توصیه کند - لیکن مسلماً توصیه کردن آسانتر است تا رعایت کردن توصیهها و مهار کردن تمایلات یک قسمت عمده اختلافات پدر و مادران و جوانان به رفتار جوانان در این زمینه مربوط میشود .

۲- آموزش و مدرسه رفتن : در این حالت که جوانان نه تنها با پدر و مادر بلکه با مربیان کشمکش دارند . آنچه بنام آموزش جریان دارد یادگاری است از آموزش چند قرن پیش . این نوع آموزش برای گروه برگزیده‌ای بود و خصلت اجباری کنونی را نداشت . جوانان اینک برای زندگی کردن معمولی نیاز به گذرنامه آموزشی دارند . هر کسی که هوای درآمد بیشتر و منزلت اجتماعی بیشتر دارد باید گواهینامه بگیرد . آنچه بنام آموزش عرضه میشود به مذاق جوانان خوشایند نیست ، ارتباط آنرا نیز با زندگی روزمرده نمی‌فهمند . از این رو سعی میکنند از زیر بار آن شانه



خالی کنند . مربیان بدفاع از آموزش بر- میخیزند لیکن دم گرم آنها در آهن سرد جوانان اثر نمیکند . پدر و مادران و مربیان در یک‌جبهه میایستند لیکن باز نمیتوانند همه جوانان را به فایده و ضرورت آموزش متقاعد سازند .

هر چند که در این گفتار روی سخن بیشتر با پدران و مادران بوده است و قسمت عمده بحث به علل بوجود آورنده تضاد و اختلاف اختصاص یافته است ، لیکن میتوان هم بجوانان و هم پدران و مادران و مربیان یادآور شد که اولین قدم در راه رفع اختلاف کوشش در راه درک طرف مقابل است مسلماً تفاهم همواره بموافقت نمی‌انجامد لیکن تحمل و پذیرش طرف مقابل را آسان میسازد .

پدر و مادرها هم می‌توانند . . .

بقیه از صفحه ۱۷

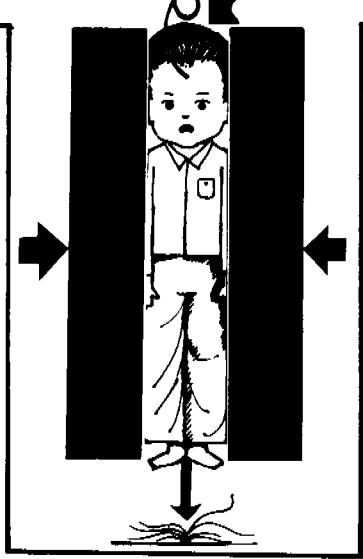
دارد دیگر برای آنها نه تنها عاری از لذت میباشد بلکه ملال آوراست ، به این جهت فرق است بین آشنا ساختن کودکان با مفاهیم ساده علمی و آموزش آنها . این آشنائی که عادت بتفکر علمی را در حد ساده و ابتدائی خود در کودکان ایجاد مینماید به آموزش که وظیفه اصلی آترو مدرسه بعهدده دارد کمک میکند و پدرها و مادرها باید همواره در نظر داشته باشند که بین وظائف آنها " آماده سازی کودک " برای فراگرفتن مفاهیم علمی ووظائف مربیان (معلمان) که در چهارچوب برنامه‌های درسی گنجانیده شده و "آموزش" نام دارد رابطه‌ای برقرار است که در حد خود بایستی از دوباره کاری برکنار بماند .
دراین مورد بازهم سخن خواهیم گفت .



شناخت کودک . . .

بقیه از صفحه ۷

باید باکمال صراحت اعتراف کرد که برخی از شاگردان اطلاعات سیاسی ومکتبی شان از میزان معلومات معلم تعلیمات دینی شان بیشتر است براساس همین واقعیت است که کودکان ودانش آموزان از کلاسهای قشری وسطی کلاسهای تعلیمات دینی فراری هستند .
در خاتمه باید خاطر نشان ساخت که برخی از معلمان ومدیران دلسوز باتوجه باصول انقلابی و رسالت خاصی که پس از انقلاب در تداوم روحیه انقلابی دانش آموزان در عهده دارند باعشق و علاقه وافری بکار تدریس و تربیت شاگردان پرداخته با صبر وحوصله انقلابی مشکلات را بجان خریداری کرده در برابر همه عصیان‌ها و سرکشی‌های دانش آموزان مقاومت کرده با دلسوزی و راهنمائی بانسان سازی دانش آموزان اشتغال دارند .



نقش معلم و مدرسه در سازندگی اجتماع

بقیه از صفحه ۱۳

یکی از وظائف مربیان برانگیختن حس کنجکاوی کودکان است . از کودک سؤال کنید و با دقت و علاقه به جوابهای او گوش دهید او را در کارها شرکت دهید و لواطه بسیار خردسال باشد . به سئوالات کودک صادقانه جواب دهید و اگر نمیدانید باو دروغ نگوئید بلکه بگوئید نمیدانم و میروم تحقیق میکنم . بگذارید بدانند که تنها او نیست که نمیدانند بلکه دیگران هم هستند که نمیدانند . شما وقت خود را صرف

میکنید پس بهتر است که این وقت را به بطالت صرف نکنید بلکه دقت کنید که کودکان چیز بیاموزند و شما پیش خود شرمنده نباشید .

شناخت کودک و استعداد او و واگذار کردن کارها بر حسب استعداد کودکان و مراقبت کردن در بکار بردن صحیح استعداد باعث میشود که جامعه پر از اشخاص ماهر و قابل و کارآمد شود . اجتماعاتیکه این روش را بکار برده اند امروز به آسمانها و قعر دریاها و صحراها وزیر زمینها دست رسی یافتند . ما هم باید چنین کنیم .

بسیاری از اوقات مسائل در نظر ما جزئی جلوه میکند در صورتیکه تا جزئیات حل نشوند معضلات حل نمیشوند . بی مبالانی بخصوص در حضور کودک بسیار مضر است . گفتم که بسیار از امور است که ما غیرمستقیم میآموزیم . اگر ما در جلو کودک انگشت خود را در بینی کنیم او غیر مستقیم میآموزد که این کار بد نیست و او هم همین عمل را انجام میدهد .

با این جمله سخن را باتمام میرسانم که معلمی هم کار خدائی است و هم کار بسیار ظریف و پر مسئولیت . اگر میخواهید مربی شوید اول وظائف و حدود مسئولیتهای خود را یاد بگیرید .



سعی کنیم در این زمینه آنها مختار باشند نه مفید

یکی از روشهای خوب روانشناسی برای تهیه و انتخاب اسباب بازی کودکان مشاهده دقیق در رفتار آنها است که بهنگام انتخاب اسباب بازیهای گوناگون صورت میگیرد. کودک در میان آنها اسباب بازی که در فلان فروشگاه موجود میباشد، پس از آنکه همه را برانداز کرد ناگهان ماشین باری قرمزی را میبیند و با خوشحالی فریاد میزند "مامان این ماشین باری قرمز را دوست دارم" بدیهی است بهنگام خرید اسباب بازی برای کودکان راهنمایی والدین مخصوصاً مادر بی تاثیر نخواهد بود.

کودکان نوزاد مخصوصاً بین ۶ تا ۱۸ ماهگی نیز احتیاج به اسباب بازی دارند و برحسب گزینه طبیعی مایلنداشیاء و چیزهای کوچکی که در اطرافشان میبینند غالباً بطور گازانبری آنها را با انگشتان گرفته و بطرف دهان ببرند و در این مرحله چون دندانهای شیری آنان در حال رشد و نمو است میخواهند هر چه را بدست آورند میان فکهای خود فشار دهند بتدریج توجه آنها به اشیاء رنگین بیشتر

میشود. بنابراین بسیار بحاست اسباب بازیهاییکه برای این قبیل کودکان تهیه و ساخته میشود نرم و حتی الامکان قابل شستشو و نشکن باشد زیرا بکرات مشاهده کرده ایم اسباب بازیهاییکه از مواد سخت و شکننده و شیاردار و مضرس ساخته شدهاند غالباً موجب ناراحتی آنانرا فراهم میآورند و بعلاوه ممکن است لبها و دهان و لثه ها یا دست و صورتشان زخمی و مجروح شود. سعی کنیم اسباب بازیهای ساده و صدادار و نشکن و قابل شستشو را برای کودکان خود تهیه کنیم که مورد نظر آنها است، اصولاً چون دندانهای کودکان شیرخوار همانطور که قبلاً اشاره شد، در حال رشد و نمو میباشند نبایستی اسباب بازیهای نوک تیز و لبه دار فلزی و سخت بدست آنها داد و یا در اختیارشان گذاشت. علاوه بر این در سنین ۱۴ ماهگی تا حدود ۳ سالگی بایستی برای کودکان اسباب بازیهای رنگین و قابل انتقال تهیه کرد که برایشان تازگی داشته باشد و ضمناً قوه بینائی آنها را نیز پرورش دهد. معمولاً رنگ قرمز اولین رنگی است که مورد توجه کودک قرار میگیرد. در دوره شیرخوارگی وزندگی اولیه کودکان پستانک بمنزله نوعی اسباب بازی بشمار میرود و



تصاویر مختلف از وسائل خانه و لوازم زندگی و بعضی از جانوران و پرندگان و امثال آن باشد . کودکان ضمن اینکه از مشاهده این نوع عکسها و تصاویر لذت میبرند با نام آنها نیز کم و بیش مانوس میشوند و همین تصاویر و کتابهای رنگین برای بیشتر کودکان نوعی اسباب بازی آموزنده و سرگرم کننده محسوب میشود و در مراحل بعدی کودکی ، یعنی در کودکان دبستان و دبستان کمک فراوانی در امر یادگیری بآنها مینماید .

در سنین ۴ یا ۵ سالگی بیالا علاقه کودکان نسبت به اسباب بازی کم و بیش تغییر میکند : پسر بچه ها مخصوصا میل دارند بیشتر با آچار و ابزار آلات مکانیکی (و همانطوریکه قبلا اشاره کردیم با رادیو و پنکه و اطوی برقی و چرخ خیاطی و ادوات برقی دیگر) بازی کنند که در عین حال خالی از خطر نیستند . آنها علاقه دارند پیچ زنگ دوچرخه یا سه چرخه خود را مرتب باز بسته کنند و یا سایر ادوات مذکور را اوراق کرده و دوباره بسازند . مثلا ریش تراش برقی را شخصا و در غیاب والدین باز بسته میکنند حتی پارهای از آنان به تقلید از پدر و یا بزرگترها دو شاخه

همانطوریکه دیده ایم کودک آنرا با حرص و ولع خاصی بدهان میبرد و بهمین جهت است که وقتی از او میگیرند خشمگین میشود و گریه را سرمی دهد .

کودکان بتدریج که بزرگ میشوند علاقه فراوانی به تماشای کتابهای مصور و رنگی پیدا میکنند که در حقیقت از نقطه نظر روانشناسی نوعی بازی محسوب میشود . از همین جاست که کم کم میل خط خط کردن و نوشتن و نقاشی در آنها ظاهر میگردد و رشد میکند و شکوفان میشود . بنابراین در انتخاب نوع کتابهای مصور نیز باید سعی شود کتابهای کودکان شامل عکسهای ساده و رنگین باشد و اگر بخواهیم جنبه های آموزشی و تربیتی آنرا نیز رعایت کنیم بهتر است کتابهای کودکان شامل عکسها و

مسأله بازی و اسباب بازی کودکان نوجوانان

→ را به پریز برق وصل کرده و می‌خواهند صورت ظریف و نرم خود را اصلاح کنند و اینکار همانطوریکه میدانیم بسیار خطرناک است . دختر بچه‌ها بر حسب غریزه طبیعی بیشتر میل دارند عروسک یا عروسکهای خود را لباس بپوشانند ، موهایش را شانه کنند در کالسه بخوابانند و بگردش ببرند . علاقه کودکان از این سن و سال بعد نسبت به حیوانات کوچک و مخصوصا پرندگان زیاد میشود . پس در اینصورت بهتر است در صورتیکه در شهرها باغ وحشی وجود داشته باشد ، کودکان را در ایام تعطیل آنجا برده و هر یک را برایشان توضیح دهند . در باغ وحش بزرگ لندن برای کودکان محل کوچکتري نیز اختصاص داده شده است همچنین در سایر نقاط اروپا ، کودکان در ایام تعطیل به‌مراهی والدین خود از باغ وحش و باغ نباتات دیدن میکنند . از نقطه نظر روانشناسی و اصول آموزش و پرورش اینها خود نوعی بازی محسوب میشوند و برای کودکان و حتی نوجوانان و بزرگسالان نیز لذت بخش و آموزنده است . بطورکلی ، کودک هر قدر بزرگتر میشود علاقه او نیز نسبت به اسباب بازیهای دیگر که مناسب سن و سال او خواهد بود افزایش

میآید . از سن ۵ و ۶ سالگی بعد در نتیجه تاثیر عوامل محیطی و اجتماعی از قبیل مشاهده بعضی از فیلمهای سینمایی و تلویزیونی ، کودکان با وسائل و اسباب بازیهای دیگری که (متاسفانه پاره‌ای از آنها نظیر هفت تیر ، تفنگ ، شمشیر ، خنجر و دیگر سلاحها) برای آنان زیان‌آور میباشد آشنا میشوند و یا همین سلاحهای اسباب بازی را در بسیاری از مراسم مانند جشن تولد و امثال آن از بزرگترها بعنوان کادو دریافت میدارند و بیشتر پدران و مادران نیز غالبا به عنوان هدیه برای کودکان خود این قبیل اسباب بازیها را تهیه میکنند که تاکنون خطراتی در برداشته اند زیرا بکرات مشاهده شده است که کودکان و نوجوانان در کوی و برزن با همسالان خود به تقلید از فیلمهای جیمز باندی و کانتستری و جنگی که قبلا در سینما ویا روی اکران تلویزیون دیده‌اند ، جنگ و ستیز مشغول میشوند و هر چند این نوع اسباب بازیها بظاهر بی‌خطر و ساده بنظر میرسند و سلاح حقیقی نیستند باوجود این خالی از خطر هم نمیباشند . در این مرحله از زندگی و در چنین اوضاع و احوالی کودکان در واقع می‌خواهند قدرت و مهارتی

توام با سرعت از خود نشان دهند و چون مبارزانی سرسخت ، بهنگام بازی میل دارند (بتقلید از قهرمانان فیلمهاییکه در سینما و یا تلویزیون دیده‌اند) بر حریفان و مخالفان خود پیروز شوند .

پروفسور دبس در اینخصوص میگوید : حرکت و رفتار دیگری که شخصیت کودکرا پرورش میدهد و آنرا غنی میسازد تقلید از بزرگسالان است . از ۵ تا ۷ سالگی تقلید بصورتی دیگرولی با قدرت ظاهر میگردد .

حس تقلید در دوره اول کودکی بصورت طبیعی نمایان میشود . این تقلید وهمانند شدن بر اثر نقشهای مختلفی که کودکایفا میکند شخصیت او را غنی تر میسازد اگر بعضی اوقات ودر پاره‌ای از موارد دروضع کودکان دقیق شویم ومخصوصا حین بازی ورفتار وحرکات آنانرا با دقت مشاهده و بررسی کنیم معلوم میشود دراین مرحله از زندگی کودکان است که میل به رقابت و پیش تازی در آنها ظاهر میشود و بزودی شدت مییابد وهمین امر آنها را وامیدارد که بهنگام بازی با اسباب بازیهای جنگی و با همان سلاحهای دروغین ، کوشش خود را برای غلبه بر دشمن بکار برند ولی همین امر غالبا باعث مجروح شدن ویا کوری اطفال

یانقص عضو آنان میشود .

بنابراین آنچه گفته شد این نوع بازیهادارای دو عیب بزرگ میباشد :

اولا حس جنگجویی و سنیزه‌گری را در کودکان بوجود میآورد وبتدریج تقویت میکند . ثانیاً آنکه بهنگام بازی ممکن است لبها ونوک ویا انتهای آن بدست و پا و صورت بخصوص چشمان کودکان اصابت نماید و آسیب برساند . هرگاه این صحنهها در داخل محدوده منزل صورتگیرد موجب ناراحتی شدید اطرافیان میشود ویا اینکه در اثر برخورد واصابت با وسایل خانه ممکن است آنها را بشکنند وزیانهای مادی و مالی دیگر بار آورند و اگر این نوع بازیها به کوی و برزن کشیده شود موجبات ناراحتی و مزاحمت عابریں را فراهم میسازند که نمونه‌های آنرا بکرات مشاهده کرده‌ایم و یا چنانکه اشاره شد غالبا در مطبوعات هم میخوانیم . مناسبانه تاکنون متخصصان تعلیم و تربیت و روانشناسان نتوانسته‌اند اینموضوع را حل کنند وخیلی بجاست که مربیان تعلیم و تربیت و روانشناسان کودک باتوجه به اهمیتی که اسباب بازی در زندگی کودکان دارند با سازندگان اسباب بازیها همکاری و ←



را با دقت و احتیاط و کنجکاوای درست کنند (مانند تست الحاق تصاویر وکسلر) اسباب بازیهای چرخ دار و متنوعی نیز تهیه و ساخته شده است که میتوان آنها را در اختیار کودکان قرار داد . اطفال بهنگام درست کردن و سوار کردن این قبیل بازیها لذت میبرند . ذوق و استعداد آنها را میتوان بهنگام عمل بدست آورد .

بنابراین اسباب بازیهاییکه برای کودکان بین ۴ تا ۷ ساله تهیه ویا ساخته میشود بایستی دارای جنبههای عملی و مهارتی و ساختمانی باشند تا بتوانند با سانی آنها را باز و بسته کنند . اسباب بازیهای کودکان مخصوصا اگر بشکل جعبههای معما و یا به صورت جدولهای حل کردنی باشد برای آنها جالب و آموزنده خواهد بود حتی بسیار دیده شده است که بزرگسالان نیز

→ همفکری بنمایند و حتی از آنها بخواهند که وسائل واسباب بازی و این قبیل مصنوعات را طوری بسازند که در مرحله نخست جنبههای آموزشی و تربیتی و همچنین تاریخی آن در نظر گرفته شود و سعی کنند که این وسائل بعنوان بهترین روشهای آموزش و پرورش فکری کودکان ارائه شود و ذوق هنری آنها را تحریک نماید . البته جنبههای تفریحی اسباب بازی در مرحله دوم قرار خواهد گرفت . برای کودکان دبستانی یا کمی بالاتر اسباب بازیهای لازم است که برشد فکری آنان کمک کند و حس کنجکاوای آنها را برانگیزد . در سالهای اخیر انواع اسباب بازیهای سرگرم کننده و در عین حال آموزندهای به بازار آمده است که قطعات آن بیکدیگر متصل شده و از روی اشکال و تصاویر و طبق الگوهای داده شده کودکان میتوانند آنها

مسأله بازی و اسباب بازی کودکان نوجوانان

بدان رغبت و میلی نشان میدهند .

موضوع دیگر که باید از لحاظ روانشناسی اجتماعی در نظر بگیریم اینکه چون دنیای ما پیوسته در حال تغییر و تحول است و هر روز علمی تر میشود و بر حسب احتیاجات بشری معلومات و اطلاعات ما در زمینههای مختلف علمی و تجربی توسعه مییابد ، بهتر است اسباب بازیهای کودکان نیز بموازات آن پیشرفت حاصل کرده و بصورتی مناسبتر و مدرن تری درآید .

پسر بچهها مخصوصا بین ۷ تا ۱۲ سالگی بانواع واقسام اسباب بازیهای مکانیکی و فنی مانند ماشین ، هواپیما ، کشتی ، رادیو و تلفن ، دوربینهای عکاسی و از این قبیل علاقمند میشوند و از داشتن اقسام وسائل نقلیه دیگر و انواع اتومبیل ، ترن ، موشک و امثال آن لذت میبرند .

در سالهای اخیر عده زیادی از روانشناسان و روانسنان تستهای روانی خود را که غالبا از قطعات چوبی یا مقوایی و برنگهای مختلف تشکیل یافته است ، ساخته اند که هم برای کودکان سرگرم کننده و آموزنده است و هم میتوان بوسیله آنها میزان هوش و استعداد و قوای عقلانی و مهارتی کودکان مختلف را اندازه گرفت -

مکبات کهنس و تختههای سگن و بسیاری از تستهای مهارتی دیگر از این نوعند که غالبا برای کودکان مفید و سرگرم کننده میباشد و از آن لذت میبرند بطور کلی برای کودکان و حتی نوجوانان اسباب بازی کاملا ضروری است ولیکن باید دانست که طریقه انتخاب اسباب بازی و نوع آن و نیز بکار بردن آن از نظر روانشناسی در شخصیت آینده آنان اثرات قابل ملاحظه ای برجای مینهد .

بعقیده نگارنده بهنگام دادن تحف و هدایای گوناگون و گرانبها به کودکان بهتر است قبلا از طرف بزرگترها جنبه های تربیتی و آموزشی این نوع چشم روشنیها و باصطلاح "کادو" نیز در نظر گرفته شود آنها را با دادن انواع اسباب بازیهای سرگرم کننده که قبلا بدان اشاره شد ، خوشحال ساخت و مخصوصا در مراسمی چون سالروز و جشنهای تولد خردسالان و کودکان بسیار بجاست که بعضی بستههای شیرینی و دستههای مختلف گل و یا لباسهای گرانیقیمت و امثال آن ، انواع لوازم التحریر و کتابهای مصور و اخلاقی و اسباب بازیهای سرگرم کننده و اجتماعی و تربیتی را که البته مطابق سن و سال آنها باشد هدیه داد .